

A Survey of Public Attitudes Toward Data Governance in Iran: Uncovering the Missing Link

Aliashraf Nazari¹ & Parham Pourramezan²

DOI: [10.48308/pijaj.2025.241314.1754](https://doi.org/10.48308/pijaj.2025.241314.1754) Received: 2025/8/30 Accepted: 2025/11/25

Original Article

Extended Abstract

Introduction: With the advancement of digital transformation and the growing role of data in governance decision-making, understanding public attitudes toward data governance has become increasingly critical. Data governance, as a framework for managing, preserving, and utilizing data, not only influences policymaking, transparency, and governmental accountability but also fundamentally requires public acceptance and engagement. In Iran, despite technological progress, a crucial gap remains in understanding public perceptions of data use, protection, and sharing. This study aims to analyze public attitudes toward data governance, identify the accompanying social and cultural barriers, and propose strategies to enhance public engagement with data-driven policies. Specifically, the research focuses on understanding the factors that shape citizens' trust or distrust in data management. The main objectives include assessing the level of public awareness of data governance, evaluating attitudes toward data transparency and security, and pinpointing the missing links in current data policy formulation. Moreover, the study seeks to answer a key question: "What factors shape public attitudes toward data governance in Iran, and how can policymakers address this missing link within the country's data policies?"

Method: This study, situated within the field of political science, employed interview-based data as an effective method for informing policy formulation. The research adopts a descriptive-analytical approach with a quantitative orientation. Data were collected through structured interviews and Likert-scale questionnaires (ranging from 1 to 5). The statistical population consists of students and graduates in the fields of Political Science, Law, Electrical and Computer Engineering, Political Geography, and Sociology. The sample size was determined to be 150 participants,

1. Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author). aashraf@ut.ac.ir

2. Researcher, Conflict and Cooperation Group, Middle East Scientific and Strategic Research Center, Tehran, Iran.parhampourramezan@ut.ac.ir



calculated using Cochran's formula. The study utilized a non-probability sampling method. After data collection, the responses were coded and entered into the SPSS software (Data View section). Subsequently, the Frequencies command was used to calculate the mean values of responses, which were then organized into summary tables. The primary objective of this research is to analyze descriptive data to examine the challenges of data governance in contemporary society, with the results presented in the findings section.

Results and Discussion: The results of the survey data analysis indicate that the level of public awareness regarding the concepts of data governance in Iran is limited. Many citizens lack sufficient familiarity with key notions such as data transparency, information security, and digital rights. This lack of awareness is accompanied by a general distrust toward data-governing institutions and significant concerns over the potential misuse of personal or public data. Furthermore, the findings reveal that the absence of transparent communication mechanisms and effective social participation constitutes the main missing link in the data governance process. Conversely, individuals with direct experience interacting with digital government services demonstrate more positive attitudes toward data management, highlighting the role of firsthand experience in strengthening public trust. The study also suggests that organizational culture and macro-level policymaking play decisive roles in shaping public acceptance. Weaknesses in these areas tend to intensify citizens' resistance and distrust. Ultimately, identifying this missing link and the factors influencing public attitudes enables the formulation of policy solutions grounded in social participation, transparency, and digital education. Such approaches can contribute to improving the quality of data-driven decision-making and enhancing citizens' trust in governmental institutions.

Conclusion: The study's findings indicate that public attitudes toward data governance in Iran are primarily influenced by factors such as digital literacy, direct experience with e-government services, and trust in governmental institutions. The most significant challenge identified is a lack of transparency and adequate education in digital rights, which has created a persistent "missing link" between policy-making and social acceptance. Bridging this gap requires a multi-faceted approach encompassing public education, institutional transparency, and participatory policy design. Building trust through active citizen engagement and robust data security guarantees is crucial for the successful adoption of data governance. Ultimately, effective data governance depends not only on technological infrastructure but also on its alignment with the socio-cultural structures of society.

Keyword: Artificial Intelligence, Data Governance, Iran, Perception, Globalization.

Citation: Nazari, Aliashraf & Pourramezan, Parham. 2025. A Survey of Public Attitudes Toward Data Governance in Iran: Uncovering the Missing Link, *Political and International Approaches*, Winter, Vol 17, No 4, PP 140-165.



پیمایش نگرش‌های عمومی نسبت به امر حکمرانی داده در ایران؛ درک حلقه مفقوده

علی اشرف نظری^۱ و پرهام پوررمضان^۲

DOI: [10.48308/piaj.2025.241314.1754](https://doi.org/10.48308/piaj.2025.241314.1754)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۶/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۴

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: با توجه به تحول دیجیتال و نقش روزافزون داده‌ها در تصمیم‌گیری‌های حکمرانی، درک نگرش‌های عمومی نسبت به امر حکمرانی داده اهمیت فزاینده‌ای یافته است. حکمرانی داده به عنوان چارچوبی برای مدیریت، حفظ و بهره‌برداری از داده‌ها، علاوه بر تأثیر بر سیاست‌گذاری، شفافیت و پاسخگویی دولت، مستلزم پذیرش و تعامل جامعه است. در ایران، با وجود پیشرفت‌های تکنولوژیک، همچنان حلقه مفقوده‌ای در شناخت نگرش‌های عمومی نسبت به استفاده، حفاظت و اشتراک داده‌ها مشاهده می‌شود. پژوهش حاضر با هدف تحلیل نگرش‌های عمومی نسبت به حکمرانی داده، شناسایی موانع اجتماعی و فرهنگی، و ارائه راهکارهایی برای ارتقای تعامل جامعه با سیاست‌های داده محور طراحی شده است. به ویژه، تمرکز بر فهم عواملی است که موجب اعتماد یا بی‌اعتمادی شهروندان نسبت به مدیریت داده‌ها می‌شوند. اهداف اصلی این مطالعه شامل تعیین سطح آگاهی عمومی از حکمرانی داده، ارزیابی نگرش‌ها نسبت به شفافیت و امنیت داده‌ها، و شناسایی حلقه‌های مفقوده در سیاست‌گذاری داده‌ها می‌باشد. علاوه بر این، پژوهش در پی پاسخ به این سوال کلیدی است: «چه عواملی نگرش عمومی نسبت به حکمرانی داده در ایران را شکل می‌دهند و سیاست‌گذار چگونه می‌تواند این نقش حلقه مفقوده را در سیاست‌های داده کشور بر طرف نماید؟»

روش: در این پژوهش در رشته علوم سیاسی، از داده‌های مصاحبه‌محور به‌عنوان روشی کارآمد برای سیاست‌گذاری استفاده شده است. روش پژوهش از نوع نگرش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کمی است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های ساختارمند و پرسشنامه طیفی (۱ تا ۵) گردآوری شده‌اند. جامعه آماری شامل دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم سیاسی، حقوق، مهندسی برق و کامپیوتر، جغرافیای سیاسی و جامعه‌شناسی است

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). aashraf@ut.ac.ir

۲. پژوهشگر گروه کشمکش و همکاری در خاورمیانه، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، ایران. parhampourramezan@ut.ac.ir



و حجم نمونه با مدل کوکران ۱۵۰ نفر تعیین شده است. پژوهش بر پایه روش نمونه‌گیری غیراحتمالی انجام گرفته است. داده‌ها پس از جمع‌آوری، در نرم‌افزار SPSS کدگذاری و در بخش Data View وارد شدند. سپس با دستور Frequencies میانگین پاسخ‌ها محاسبه و در جدول‌های کلی تنظیم شد. هدف پژوهش، تحلیل داده‌های توصیفی برای بررسی مسائل حکمرانی داده در جامعه کنونی است و نتایج در بخش یافته‌ها ارائه گردیده است.

یافته‌ها: نتایج حاصل از تحلیل داده‌های پیمایشی نشان می‌دهد که سطح آگاهی عمومی نسبت به مفاهیم حکمرانی داده در ایران محدود است و بسیاری از شهروندان با مفاهیمی چون شفافیت داده‌ای، امنیت اطلاعات و حقوق دیجیتال آشنایی کافی ندارند. این کمبود آگاهی با بی‌اعتمادی نسبت به نهادهای متولی داده‌ها و نگرانی از سوءاستفاده‌های احتمالی همراه است. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهند که فقدان سازوکارهای شفاف اطلاع‌رسانی و مشارکت اجتماعی، حلقه مفقوده اصلی در فرآیند حکمرانی داده را شکل می‌دهد. از سوی دیگر، افرادی که تجربه تعامل با خدمات دیجیتال حکومتی دارند، نگرش‌های مثبت‌تری نسبت به مدیریت داده‌ها نشان می‌دهند، که نشان‌دهنده نقش تجربه مستقیم در تقویت اعتماد عمومی است. نتایج پژوهش همچنین حاکی از این است که فرهنگ سازمانی و سیاست‌گذاری‌های کلان می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در پذیرش عمومی داشته باشند و ضعف در این حوزه‌ها موجب افزایش مقاومت و بی‌اعتمادی شهروندان می‌شود. در نهایت، شناسایی این حلقه مفقوده و عوامل مؤثر بر نگرش عمومی، امکان طراحی راهکارهای سیاستی مبتنی بر مشارکت اجتماعی، شفافیت و آموزش دیجیتال را فراهم می‌آورد، که می‌تواند به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌های داده‌محور و تقویت اعتماد شهروندان به نهادهای حکومتی منجر شود.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد نگرش عمومی به حکمرانی داده در ایران تحت تأثیر عواملی چون آگاهی دیجیتال، تجربه مستقیم با خدمات الکترونیک و اعتماد به نهادهای حکومتی است. مهم‌ترین چالش، فقدان شفافیت و آموزش در حوزه حقوق دیجیتال است که به "حلقه مفقوده" بین سیاست‌گذاری و پذیرش اجتماعی منجر شده است. پر کردن این شکاف نیازمند رویکردی چندبعدی شامل آموزش عمومی، شفافیت نهادها و طراحی سیاست‌های مشارکت‌محور است. تقویت اعتماد از طریق مشارکت فعال شهروندان و تضمین امنیت داده‌ها، به پذیرش موفق حکمرانی داده کمک می‌کند در نهایت، موفقیت حکمرانی داده علاوه بر توسعه فناوری، نیازمند هماهنگی با ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه است.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، حکمرانی داده، ایران، ادراک، جهانی شدن.

استناددهی: نظری، علی اشرف و پوررمضان، پرهام. ۱۴۰۴. پیمایش نگرش‌های عمومی نسبت به امر حکمرانی داده در ایران: درک حلقه مفقوده، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، زمستان، سال ۱۷، شماره ۴، ۱۶۵-۱۴۰.

مقدمه

در سال‌های اخیر، «حکمرانی داده»^۱ به یکی از پایه‌های اساسی سیاست‌گذاری و مدیریت در سطح جهانی تبدیل شده است. دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مردمی بیش از گذشته در یافته‌اند که کیفیت تصمیم‌گیری‌ها و اثرگذاری سیاست‌ها، ارتباط مستقیمی با چگونگی جمع‌آوری، پردازش، به‌اشتراک‌گذاری و محافظت از داده‌ها دارد. در این میان، اعتماد مردم به سیستم حکمرانی داده، عاملی کلیدی در موفقیت یا شکست سیاست‌های مبتنی بر داده است. اما در ایران، هنوز تصویر روشنی از دیدگاه‌ها، درک و انتظارات جامعه در این زمینه وجود ندارد. این حلقه گمشده، باعث می‌شود هر تلاشی برای طراحی یک نظام ملی داده‌محور، با چالش‌هایی در زمینه مقبولیت، شفافیت و پذیرش عمومی روبه‌رو شود.

در شرایطی که داده به یک منبع راهبردی در اداره کشور، اقتصاد و زندگی اجتماعی تبدیل شده، نادیده گرفتن نگرش و مشارکت مردم می‌تواند پیامدهای ناگواری مانند کاهش اعتماد عمومی، مقاومت در برابر سیاست‌های داده‌بنیان و تضعیف نهادهای مرتبط را به دنبال داشته باشد. بنابراین، بررسی نگرش‌های مردم نسبت به حکمرانی داده در ایران، گامی ضروری برای تدوین سیاست‌هایی آگاهانه، شفاف و اعتمادساز به شمار می‌رود. چنین تحقیقی می‌تواند زوایای پنهان رابطه دولت و شهروندان در حوزه داده را روشن کند و به طراحی چارچوبی کمک نماید که در آن، شفافیت، پاسخگویی، انصاف و امنیت داده‌ها به عنوان اصول اساسی حکمرانی داده در ایران مورد توجه قرار گیرند. درک این حلقه مفقوده می‌تواند مسیر را برای گذار از رویکردهای صرفاً فنی و متمرکز، به الگوهای مردمی و مشارکتی در حکمرانی داده هموار کند. در ایران، هرچند زیرساخت‌های فنی و نهادی برای مدیریت داده‌ها به تدریج در حال شکل‌گیری است، اما موضوعاتی مانند «اعتماد عمومی»، «مالکیت داده»، «حریم خصوصی» و «استفاده عادلانه از داده‌ها» کمتر در فضای اجتماعی و نظرخواهی‌ها مورد بحث قرار گرفته‌اند. از طرفی، مردم با تجربه‌های دوگانه‌ای از استفاده از خدمات دیجیتال، سوءاستفاده از اطلاعات شخصی یا نبود شفافیت در داده‌های دولتی مواجه بوده‌اند. این شرایط به ایجاد شکافی در درک متقابل بین سیاست‌گذاران و جامعه انجامیده است؛ شکافی که ممکن است به مقاومت عمومی در برابر سیاست‌های داده‌محور، کاهش سرمایه اجتماعی دولت دیجیتال و کند شدن روند تحول به سمت حکمرانی هوشمند بینجامد. از این رو، سنجش و تحلیل نگرش عمومی نسبت به حکمرانی داده، اقدامی راهبردی برای تدوین سیاست‌هایی آگاهانه و اعتمادساز است.

نبود پژوهش‌های منظم و داده‌های عینی درباره دیدگاه‌ها و نگرش‌های مردم نسبت به حکمرانی داده باعث شده تصمیم‌گیری‌ها در این حوزه بیشتر بر اساس فرضیات و نظرات کارشناسی صورت گیرد، نه واقعیت‌های جامعه. این کمبود ممکن است به سیاست‌هایی بینجامد که با ارزش‌ها، دغدغه‌ها و انتظارات شهروندان هماهنگ نیست. از سوی دیگر، تجربه کشورهای موفق در حوزه حکمرانی داده نشان می‌دهد که ایجاد گفت‌وگوی پایدار بین دولت و جامعه، ارتقای آگاهی عمومی درباره داده و شفافیت در نحوه استفاده از داده‌ها، از عوامل کلیدی در جلب اعتماد و مقبولیت نظام داده‌محور هستند. بنابراین، درک

و نمایش دقیق نگرش‌های عمومی در ایران می‌تواند زمینه‌ای فراهم کند تا سیاست‌گذاران با شناسایی چالش‌های مربوط به اعتماد و شفافیت، مسیر حرکت به سمت حکمرانی داده مسئولانه، مشارکتی و مبتنی بر اعتماد عمومی را هموار کنند.

بررسی نگرش‌های عمومی در این حوزه نه تنها به درک بهتری از سطح آگاهی و اعتماد مردم کمک می‌کند، بلکه می‌تواند ابزاری برای بازتعریف رابطه دولت و جامعه در عصر داده باشد. بدون درک افکار عمومی، سیاست‌های داده‌محور در خطر تبدیل شدن به طرح‌هایی صرفاً فنی و دستوری قرار دارند. این مطالعه می‌تواند به طراحی چارچوب‌هایی کمک کند که در آن‌ها، شفافیت، پاسخگویی و عدالت در استفاده از داده‌ها به عنوان اصول اساسی حکمرانی مورد تأکید قرار گیرند. همچنین، یافته‌های آن می‌تواند به بهبود سیاست‌های ملی در حوزه‌هایی مانند دولت الکترونیک، حریم خصوصی دیجیتال، امنیت فضای مجازی و اقتصاد داده بینجامد.

تجربه کشورهای پیشرو در حکمرانی داده از اتحادیه اروپا با مقررات 'GDPR گرفته تا سنگاپور و کره جنوبی با الگوهای «اعتماد دیجیتال» نشان می‌دهد که بدون مشارکت عمومی و اعتماد اجتماعی، هیچ نظام پایدار حکمرانی داده شکل نمی‌گیرد. ایران نیز می‌تواند با الهام از این تجربیات، به سمت رویکردی مردم‌بنیان حرکت کند؛ رویکردی که در آن گفت‌وگو با شهروندان، آموزش سواد داده، شفافیت در روش‌های استفاده از داده‌ها و مشارکت نهادهای مدنی در تدوین سیاست‌ها به ارکان اصلی تبدیل شوند. در واقع، شناخت نگرش عمومی می‌تواند همان حلقه گمشده‌ای باشد که سیاست‌گذاری داده‌محور را از سطح فنی و اداری به سطح اجتماعی و فرهنگی ارتقا دهد.

۱. پیشینه پژوهش

پیرامون پیشینه پژوهش، مطالعات موجود را می‌توان به شکل زیر صورت‌بندی کرد به طوری که،

نام پژوهش	نگارندگان	محل نشر	تحلیل پژوهش
۱ بررسی وضعیت و راهکارهایی اجرایی حکمرانی داده در سازمان‌ها (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی)	فینی زاده و دیگران (۱۴۰۳)	پژوهشنامه پردازش و مدیریت	بر اساس تحلیل نخبگان، علت اصلی نامناسبی وضعیت حکمرانی داده در دانشگاه آزاد، نبود متولی و سیستم معتبر برای مدیریت داده است. در صورت اجرای صحیح حکمرانی داده، تصمیم‌گیری بهبود یافته، خدمات ارتقا می‌یابد و در نهایت رضایت مردم و تحقق اهداف سازمان حاصل می‌شود.

۱. مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها یا (GDPR (General Data Protection Regulation)، قانونی است که از سال ۲۰۱۸ در اتحادیه اروپا اجرا می‌شود و هدف آن حفاظت از حریم خصوصی و داده‌های شخصی افراد است. این مقررات نحوه جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، پردازش و اشتراک‌گذاری داده‌ها را برای سازمان‌ها و شرکت‌ها محدود و شفاف می‌کند. بر اساس این قانون، افراد حق دارند بدانند داده‌هایشان چگونه استفاده می‌شود، بتوانند به آن دسترسی داشته باشند یا درخواست حذف آن را بدهند.

۲	شناسایی مؤلفه‌های حکمرانی داده در بافت سازمانی: فراترکیب متون	فتح الله زاده و دیگران (۱۴۰۳)	فصلنامه علوم و فنون مدیریت اطلاعات	سازمان‌ها می‌توانند با تطبیق مؤلفه‌های اصلی و فرعی حکمرانی داده با اهداف و بافت خاص خود، یک برنامه مؤثر طراحی و اجرا کنند. برای موفقیت، باید اصولی تعریف شود که از ساختار، فرهنگ و اهداف استراتژیک سازمان پشتیبانی کند.
۳	ارائه الگوی حکمرانی داده برای شبکه‌های اجتماعی	چمنی و دیگران (۱۴۰۳)	فصلنامه حکمرانی متعالی	برای حکمرانی بر داده‌های شبکه‌های اجتماعی، همانند حکمرانی بر یک سرزمین، باید سه بعد اصلی را شناخت: قلمرو و دارایی (داده‌ها)، نظام و فرآیند (قوانین) و مردم (کاربران)
۴	تراست داده، سازوکاری برای مدیریت منافع ذی‌نفعان داده؛ رهنمودهایی برای نظام داده در حقوق ایران	میرشکاری و دیگران (۱۴۰۳)	فصلنامه مطالعات حقوقی و تطبیقی معاصر	در وضعیت کنونی، کنترل سرنوشت داده‌های کاربران به طور کامل در اختیار غول‌های فناوری و پلتفرم‌هاست. این شرکت‌ها با انعقاد موافقت‌نامه‌های تحمیلی، نه تنها حریم خصوصی افراد را نقض می‌کنند، بلکه سلطه خود را بر جریان داده‌ها تداوم می‌بخشند. آنها به شکل متناقضی عمل می‌کنند: از یک سو برای داده‌های شخصی کاربران خواستار جریان آزاد و کاهش محدودیت‌ها هستند، و از سوی دیگر در برابر رقبایی که انحصارشان را تهدید می‌کنند، مانع ایجاد می‌کنند.

<p>۵</p>	<p>شکل‌گیری حکمرانی داده جمهوری اسلامی ایران در عصر هوش مصنوعی؛ از آرمان تا واقعیت</p>	<p>پوررمضان (۱۴۰۳)</p>	<p>سمینار سواد رسانه اطلاعاتی: مرزهای دیجیتال نوین اطلاعات شناخت و تمایز بین مرزهای داده‌های ملی و جهانی</p>	<p>ارزیابی حکمرانی داده در ایران نشان می‌دهد که اگرچه طی سال‌های اخیر گام‌هایی در جهت ایجاد ساختارهای داده‌محور و نهادهای مرتبط با مدیریت داده‌های ملی برداشته شده است، اما هنوز چالش‌های متعددی در زمینه شفافیت، انسجام سیاستی، دسترسی آزاد به داده و اعتماد عمومی وجود دارد. سیاست‌های داده‌ای در بسیاری از موارد فاقد یک رویکرد منسجم و الگوریتمی هستند و بیشتر به جنبه‌های فنی یا امنیتی تمرکز دارند تا به ابعاد اجتماعی، اقتصادی و حکمرانی. همچنین، نبود چارچوب‌های حقوقی و اخلاقی شفاف برای استفاده از داده‌ها، موجب کاهش اعتماد عمومی نسبت به نظام حکمرانی داده شده است. برای تحقق حکمرانی داده مؤثر در ایران، لازم است تعامل میان نهادهای دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی تقویت شود و تصمیم‌گیری‌ها بر پایه تحلیل‌های داده‌محور، شفاف و پاسخ‌گو استوار گردد. این امر می‌تواند زمینه‌ساز تحول در سیاست‌گذاری، افزایش مشارکت عمومی و ارتقای مشروعیت حکمرانی دیجیتال در کشور شود.</p>
<p>۶</p>	<p>چارچوب حکمرانی داده در مراکز تبادل داده</p>	<p>مرتضوی و دیگران (۱۴۰۳)</p>	<p>فصلنامه علوم و فنون مدیریت اطلاعات</p>	<p>پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده بر روی مدل‌های همکاری داده‌ای بین ذینفعان و مراکز تبادل داده متمرکز شوند. همچنین، موضوعات آزادسازی داده‌ها، استانداردها و تجاری‌سازی آنها در بسترهای بین‌سازمانی نیاز به بررسی بیشتری دارد.</p>

با توجه به مرور پیشینه پژوهش، می‌توان دریافت که اکثر مطالعات موجود بر جنبه‌های سازمانی، فنی و چارچوب‌های نظری حکمرانی داده تمرکز دارند. برای مثال، پژوهش فینی‌زاده و دیگران (۱۴۰۳) وضعیت

و راهکارهای اجرایی حکمرانی داده در دانشگاه آزاد را مورد بررسی قرار داده و علت اصلی ناکارآمدی را عدم وجود متولی و سیستم معتبر مدیریت داده دانسته است؛ فتح‌الله‌زاده و همکاران (۱۴۰۳) نیز بر شناسایی مؤلفه‌های حکمرانی داده در بافت سازمانی تأکید کرده‌اند. پژوهش چمنی و دیگران (۱۴۰۳) به حکمرانی داده در شبکه‌های اجتماعی پرداخته و سه بعد قلمرو، نظام و مردم را معرفی کرده‌اند، و میرشکاری و همکاران (۱۴۰۳) بر جنبه حقوقی و تراست داده تمرکز کرده‌اند. در تمامی این پژوهش‌ها، تمرکز اصلی بر سازمان‌ها، پلتفرم‌ها و نهادهای متولی داده بوده و نگرش و تجربه شهروندان به‌عنوان ذی‌نفعان عمومی مورد بررسی مستقیم قرار نگرفته است، در حالی که پژوهش حاضر با رویکرد پیمایشی، دیدگاه و نگرش عمومی جامعه را نسبت به حکمرانی داده در ایران تحلیل می‌کند و حلقه مفقوده میان سیاست‌گذاری و پذیرش عمومی را شناسایی می‌نماید.

علاوه بر این، وجه تمایز دیگر پژوهش حاضر با پیشینه موجود در این است که تمرکز بر شهروندان به‌عنوان ذی‌نفع اصلی در حکمرانی داده، نه صرفاً سازمان‌ها و نهادهای متولی؛ تحلیل نگرش‌های عمومی و شناسایی عوامل بی‌اعتمادی و پذیرش، در حالی که مطالعات گذشته بیشتر تحلیلی و چارچوبی بوده‌اند؛ درک حلقه مفقوده میان سیاست‌گذاری و نگرش جامعه، موضوعی که در چارچوب‌های فنی و حقوقی پیشین که کمتر مورد توجه قرار گرفته است، توجه به جنبه اجتماعی و فرهنگی حکمرانی داده، نه صرفاً فنی، حقوقی یا ساختاری؛ روش‌شناسی پیمایشی که امکان سنجش واقعی دیدگاه‌های مردم و مقایسه با چارچوب‌های نظری موجود را فراهم می‌کند و تمرکز بر ارائه راهکارهای عملی برای افزایش اعتماد و مشارکت عمومی، در حالی که پژوهش‌های پیشین بیشتر به شناسایی مؤلفه‌ها یا چارچوب‌ها محدود شده‌اند.

۲. چارچوب نظری

۲-۱. نظریه حکمرانی الگوریتمی

به‌طور متعارف، حکمرانی با مقوله «حکومت» مرتبط بوده است که به نهادهای سیاسی رسمی با هدف سازماندهی و کنترل روابط اجتماعی وابسته به هم وابسته است که دارای قابلیت اجرای تصمیمات هستند. علاوه بر این، حکمرانی به تنظیم روابط متقابل در غیاب اقتدار سیاسی فراگیر، مانند نظام جهانی اشاره دارد. به‌عنوان یک قاعده کلی، حکمرانی مجموعه‌ای از وظایف و اقداماتی است که توسط افراد مسئول برای یک شرکت با هدف ارائه جهت استراتژیک، تضمین تحقق اهداف، اطمینان از مدیریت صحیح ریسک‌ها و تأیید اینکه ابزارهای شرکت انجام می‌شود، اعمال می‌شود. مسئولانه مورد استفاده قرار می‌گیرند. دگرگونی در رابطه «انسان-فن‌آوری» تنوع جدیدی از موضوعات مرتبط با دیجیتالی شدن سیاست و ویژگی‌های کاربرد هوش مصنوعی سیاسی در عصر دیجیتال را به همراه دارد. شبکه‌های عصبی مصنوعی از سیستم‌های پردازش اطلاعات بیولوژیکی تقلید می‌کنند و از نورون‌های مصنوعی تشکیل می‌شوند که سیگنال‌ها را در سیستم‌های تقویت‌کننده به یکدیگر منتقل می‌کنند. حاکمیت الگوریتمی از الگوریتم‌ها هم برای نظم دادن به کنش‌های انسانی به‌طور کلی و هم در ساختارهای سیاسی سنتی استفاده می‌کند.

وجه مشخصه سیاست در شکل جدید آن، این است که حجم قابل توجهی از داده‌های تجزیه و تحلیل شده توسط الگوریتم‌ها به نهادها اجازه می‌دهد یا کالاها و خدمات کاملاً جدیدی را ارائه دهند یا کالاهای موجود را با دقت و مقرون به صرفه تر ارائه دهند.

فن‌آوری همیشه منبع دائمی عدم قطعیت‌ها، مخاطرات، تغییرات و در بسیاری موارد اختلال بوده است. علاوه بر این، فن‌آوری به تنظیم‌کننده‌هایی نیاز دارد تا تصمیمات پیچیده‌ای اتخاذ کنند: اینکه آیا و چه زمانی باید مداخله کنند؟ چه نوع مداخله قانونی به کار گرفته شود؟ علاوه بر این، فن‌آوری نه خنثی است و نه اجتناب‌ناپذیر، و بازیگران سیاسی دارای عاملیت و توانایی هستند که به طور هدفمند تکامل سیاست و فن‌آوری را شکل دهند (Zekos, 2022: 3-4). البته، تصمیم‌گیری الگوریتمی دیجیتالی خالی از مشکل نیست و چون روش‌های آماری استفاده می‌کند، مشکلات مشابه آمارهای سنتی مانند داده‌های نمونه‌گیری ضعیف، داده‌های فاقد اعتبار و خطاهای اندازه‌گیری را دارند.

فن‌آوری نه خنثی است و نه اجتناب‌ناپذیر و بازیگران سیاسی دارای عاملیت و توانایی هستند که به طور هدفمند تکامل سیاست و فن‌آوری را شکل دهند. نظریه حکمرانی الگوریتمی نشان می‌دهد که هوش مصنوعی در حال حاضر در بسیاری از جنبه‌های دولت به کار گرفته شده است، اما همچنان به نظر می‌رسد که پیامدهای احتمالی کاربست هوش مصنوعی در سیاست به شدت مورد مناقشه است. زیرا این ایده وجود دارد که پیشرفت در «هوش مصنوعی» نه تنها یک فن‌آوری متمرکز، سلسله‌مراتبی و سرکوبگر ایجاد می‌کند، بلکه به طور اجتناب‌ناپذیری چشم‌اندازی آزادی‌بخش نیز دارد. علاوه بر این، چشم‌اندازی برای استفاده سازنده از هوش مصنوعی در سیاست وجود دارد، زیرا بسیاری از کاربردهای آینده هوش مصنوعی مبتنی بر فن‌آوری‌هایی است که در حال حاضر استفاده می‌شوند. مانند اشکال مختلف یادگیری ماشینی و شبکه‌های عصبی مصنوعی^۱ که محبوب‌ترین تکنیک از نظر استفاده است (Zekos, 2022: 2-4).

از این رو، نگرانی فزاینده‌ای در میان سیاست‌گذاران، محققان و عموم مردم وجود دارد که این شرکت‌ها بر تحقیق و توسعه نه تنها هوش مصنوعی بلکه کل اکوسیستم اطراف آن نیز انحصار دارند. الگوریتم‌ها برای تصمیم‌گیری یا کمک به تصمیم‌گیری در زمینه‌های مختلف سیاسی استفاده می‌شوند و نگرانی‌ها را در مورد نقص‌های احتمالی و نتایج ناخواسته آنها افزایش می‌دهند. برنامه‌های الگوریتمی بر نحوه شدن فرصت‌ها و امکانات برای افراد و کل گروه‌های جمعیت، و دسترسی به آنها، یا در مقابل، نحوه بسته شدن آنها تأثیر می‌گذارد. در حالی که هوش مصنوعی جامعه را با دسترسی گسترده‌تر و برابرتر به طیف وسیعی از کالاها و خدمات کمک می‌کند، بحث‌هایی مطرح شده است که به خطرات تبعیض نیز اشاره می‌کنند.

هوش مصنوعی می‌تواند اصل دسترسی برابر را نقض کند که به دولت‌ها اجازه می‌دهد گروه‌های فرهنگی را شناسایی و سرکوب کنند، بنابراین این خطر وجود دارد که از هوش مصنوعی برای «جرم‌انگاری» برخی فرهنگ‌ها استفاده شود. چنان که یک مشکل تبعیض الگوریتمی در مورد برنامه‌های کاربردی تشخیص چهره وجود دارد. الگوریتم‌های پلیس دارای پیش‌بینی نژادپرستانه هستند. هوش مصنوعی Tay،

1. artificial neural networks (ANN)

یک ربات چت که توسط مایکروسافت در سال ۲۰۱۶ راه اندازی شد، پس از ۲۴ ساعت به دلیل اینکه به ماشین سخنان نفرت پراکنی آنلاین نژادپرستانه و جنسیتی تبدیل شده بود، کنار گذاشته شد. علاوه بر این، عملیات خودکار قدرتیافته توسط الگوریتمها خطر تداوم و در نتیجه تثبیت وضعیت موجود را دارد که عمیقاً تبعیضآمیز است و به این معنی است که نتایج زندگی روزمره شهروندان ملموس است و اعمال حقوق اساسی آنها را به خطر میاندازد و سلسله مراتب اجتماعی و نابرابریهای مادی را تقویت میکند.

ابزارهای هوش مصنوعی، شامل یادگیری ماشینی، یادگیری عمیق، و تجزیه و تحلیل پیشگویانه در جهت افزایش ظرفیت برنامه ریزی، یادگیری، استدلال، تفکر و اقدام است. باید در نظر گرفت که ساختن سیستمهای هوش مصنوعی به توانایی استدلال و همچنین وجود دانش کمک میکند، به این معنی که در زمانی که هوش مصنوعی هوشی بیشتر یا برابر با انسانها به دست آورد، نگرانی در مورد تحول اجتماعی و سیاسی وجود خواهد داشت. استفاده از هوش مصنوعی برای اداره جنبه‌های متعدد فعالیت‌های انسانی باعث ایجاد نگرانی‌هایی در رابطه با مسائل مربوط به حفظ حریم خصوصی و نظارت، تعصب و نابرابری، شفافیت و رویه، و آزادی و استقلال شده است. حریم خصوصی یک حق اساسی است که برای کرامت انسانی ضروری است و سایر حقوق را تقویت می‌کند، مانند حق آزادی بیان و آزادی اجتماعی (Zekos, 2022: 9-11).

اخیراً گزارش‌هایی مبنی بر «سوگیری کدگذاری شده» در الگوریتم‌ها و مجموعه داده‌ها، از تبعیض نژادی و جنسیتی در سیستم‌های تشخیص چهره، تبعیض نژادی در الگوریتم‌هایی که به پیش‌بینی مجرم‌ان تکراری کمک می‌کنند، گزارش شده است. به گفته پروفیسور رودین^۱ از دانشگاه دوک، داده‌های ارائه شده توسط رایانه به طور خودکار منصفانه یا قابل اعتماد نمی‌شود. در واقع، الگوریتم‌های مبتنی بر یادگیری ماشینی می‌توانند با گرفتن فرضی از داده‌های ورودی خود در یک حفره بازخورد و ایجاد نتیجه‌گیری‌های نادرست فزاینده، سوگیری‌ها را تقویت کنند. مردم به طور طبیعی تمایل دارند در مورد خطرات یک فرد در مورد تخلفات اغراق کنند. اگر چنین سوگیری در یک الگوریتم هوش مصنوعی پیاده‌سازی شود، می‌تواند به اثرات منفی برای شهروندان متعدد مانند مداخلات بیش از حد، انگ زدن و تبعیض منجر شود.

علاوه بر این، توسعه سریع الگوریتم‌ها می‌تواند شناسایی سوگیری‌ها در تصمیم‌گیری آنها را پیچیده می‌کند. به نحوی آشکار، نظارت الگوریتمی خطر بی‌توجهی به حریم خصوصی را افزایش می‌دهد زیرا می‌تواند اطلاعات شخصی کاربران را فاش کند. با گسترش نظارت در محیط‌های خصوصی از طریق اینترنت و اینترنت اشیا، حریم خصوصی کاهش یافته است. فقدان حریم خصوصی می‌تواند منجر به مشکلات سلامتی بیشتری مانند اضطراب، افسردگی و گوشه‌گیری شود. از این نظر، نظارت جمعی کنونی همراه با افزایش آگاهی مردم در مورد این موضوع ممکن است منجر به افزایش اختلالات روانی در جامعه شود. نظارتی که نامتناسب تلقی می‌شود می‌تواند باعث ناامنی، عدم اعتماد به سیستم و احساسات منفی شود (Rosiers, 2021: 123-128).

نگارندگان پژوهش معتقدند که در پژوهش «بیمایش نگرش‌های عمومی نسبت به امر حکمرانی داده در ایران؛ درک حلقه مفقوده»، نظریه حکمرانی الگوریتمی به‌عنوان مناسب‌ترین چارچوب نظری انتخاب شده

است. این نظریه، با توجه به محوریت داده و نقش فناوری در تصمیم‌سازی‌های سیاسی و اجتماعی، ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش دارد. حکمرانی الگوریتمی بر این اصل استوار است که داده‌ها و الگوریتم‌ها به‌عنوان ابزارهای نوین قدرت، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به سیاست‌گذاری‌ها و ساختارهای حکمرانی ایفا می‌کنند. از آنجا که پژوهش حاضر به بررسی نگرش مردم نسبت به حکمرانی داده در ایران می‌پردازد، این نظریه می‌تواند به‌خوبی بستر فهم و تحلیل روابط میان فناوری، سیاست و جامعه را فراهم آورد.

نظریه حکمرانی الگوریتمی با تأکید بر مفاهیمی چون شفافیت، اعتماد عمومی و مشروعیت تصمیم‌گیری، امکان تحلیل ابعاد اجتماعی و اخلاقی حکمرانی داده را نیز فراهم می‌کند. این سه مؤلفه، دقیقاً همان عناصری هستند که در سنجش نگرش عمومی نسبت به حکمرانی داده در ایران نقش اساسی دارند. افزون بر این، این نظریه پیوندی میان ساحت فناورانه و ادراک عمومی از قدرت و سیاست ایجاد می‌کند و به شناسایی حلقه مفقوده میان نظام‌های داده‌محور و درک مردمی از آن‌ها کمک می‌نماید.

بنابراین، انتخاب نظریه حکمرانی الگوریتمی برای این پژوهش، نه تنها به دلیل هم‌راستایی مفهومی آن با موضوع داده و تصمیم‌سازی است، بلکه به سبب توانایی آن در تبیین ارتباط میان فناوری، حاکمیت و اعتماد اجتماعی نیز اهمیت دارد. این نظریه با نگاه چندبعدی خود، چارچوبی جامع برای درک چگونگی شکل‌گیری نگرش‌ها و باورهای عمومی نسبت به حکمرانی داده در ایران ارائه می‌کند و از این رو، به‌عنوان مناسب‌ترین نظریه برای این پژوهش برگزیده شده است.

۲-۲. تبیین مفاهیم پایه

۲-۲-۱. هوش مصنوعی

پیرامون هوش مصنوعی پژوهشگران و تحلیلگران هریک از منظر خود این امر را تبیین و تحلیل نموده‌اند به طوری که برخی معتقدند که هوش مصنوعی به شاخه‌ای از علوم کامپیوتر اطلاق می‌شود که هدف آن ایجاد ماشینها و سیستمهایی است که توانایی انجام وظایفی را دارند که معمولاً به هوش انسانی نیاز دارند. این وظایف شامل یادگیری، استدلال، ادراک، حل مسئله، فهم زبان طبیعی و تصمیم‌گیری هستند (Sokolov, 2019: 368). برخی دیگر بر امر استوارند به سیستم‌هایی می‌توان گفت هوش مصنوعی که، چهار ویژگی مانند انسانی فکر کردن، انسانی عمل کردن، منطقی فکر کردن و منطقی عمل کردن را در نهاد خود داشته باشند (Fatimah, 2023: 3)

در تعریفی دقیق و محوری از هوش مصنوعی که از سوی نگارندگان مطرح شده می‌توان گفت که هوش مصنوعی یک سیستم یکپارچه نظیر تلفن‌ها و رایانه‌های پیشرفته، با اهدافی نظیر دریافت اطلاعات، یکپارچه‌سازی اصول استدلال منطقی و اصلاح قابلیت‌های خود است که با استفاده از ماشین‌ها به ظرفیت‌های عقل انسانی فعلیت می‌بخشند و تصمیم‌گیری انسانی را در همه سطوح افزایش می‌دهند. مدل‌های تصمیم‌گیری شبه قضایی و پشتیبانی از نسخه‌های مدل‌های آماری/پیشبینی از قابلیت‌های رو به رشد هوش مصنوعی است، اما مسأله مهم، تقلید از عملکردهای شناختی و رفتار هوشمندانه انسان‌ها،

شناسایی و آموختن الگوهای تصمیم‌گیری و رسیدن به نتایج متفاوت بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های مختلف و مستقل یا از کنترل خارج شدن آن و عمل کردن بدون دخالت انسان است. به‌رغم آن که فرضیه‌هایی درباره توانمندی هوش مصنوعی و پیشی گرفتن از هوش انسانی وجود دارد، اما در حال حاضر، کنترل و هدایت وظایف آن بر اساس توانمندی و صلاحیت فکری انسان است. بنابراین، سه نقش کاربردی گسترده را فراهم می‌کند که در آن هوش مصنوعی می‌تواند از انسان‌ها پشتیبانی کند: تحلیلی، پیش‌بینی‌پذیری و عملیاتی‌سازی.

۲-۲-۲. دولت الکترونیک^۱

از منظر فناوری، دولت الکترونیک به عنوان یک پلتفرم دیجیتال برای ارائه خدمات دولتی در نظر گرفته می‌شود. این دیدگاه بر اهمیت زیرساخت‌های فنی مانند شبکه‌های ارتباطی، پایگاه‌های داده، و نرم‌افزارهای کاربردی تأکید دارد (Setyawan, 2024: 2442). از دیدگاه مدیریتی، دولت الکترونیک به عنوان ابزاری برای بهبود کارایی و اثربخشی خدمات دولتی در نظر گرفته می‌شود. این دیدگاه بر کاهش بوروکراسی، افزایش شفافیت، و بهبود پاسخگویی دولت تأکید دارد (Enala, 2025: 78). از منظر اجتماعی، دولت الکترونیک به عنوان ابزاری برای افزایش مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تقویت دموکراسی در نظر گرفته می‌شود. این دیدگاه بر اهمیت دسترسی برابر به اطلاعات و خدمات دولتی برای همه شهروندان تأکید دارد (Yadav, 2024: 269). و در نهایت از دیدگاه اقتصادی، دولت الکترونیک به عنوان ابزاری برای کاهش هزینه‌های دولتی و افزایش بهره‌وری در نظر گرفته می‌شود. این دیدگاه بر کاهش هزینه‌های عملیاتی، بهبود مدیریت منابع، و تسهیل تجارت الکترونیک تأکید دارد (Dupe, 2025: 46).

۲-۲-۳. حکمرانی داده^۲

برخی بر این باورند که حکمرانی داده یک امر فنی است و این ایده را دنبال می‌کنند که حکمرانی داده شامل ابزارها و فناوری‌هایی است که برای مدیریت داده‌ها استفاده می‌شوند. این شامل پایگاه‌های داده، سیستم‌های مدیریت محتوا، ابزارهای امنیتی و نرم‌افزارهای تحلیل داده می‌شود. هدف اصلی در این دیدگاه، اطمینان از یکپارچگی، دسترسی‌پذیری و امنیت داده‌هاست (Dev, 2024: 52). در نگاهی دیگر برخی بر این باورند که بر حکمرانی داده امر سازمانی نهادینه شده است و بر این امر استوارند که حکمرانی داده به ساختارها و فرآیندهای داخلی سازمان مربوط می‌شود. این شامل تعریف نقش‌ها و مسئولیت‌ها (مانند مالک داده، مدیر داده و کاربران داده)، ایجاد سیاست‌های داخلی و استانداردهای مدیریت داده، و تضمین هماهنگی بین بخش‌های مختلف سازمان است (Xinyu, 2023: 28).

برخی دیگر به این امر استراتژیک نظر می‌افکنند به طوری که معتقدند حکمرانی داده به عنوان بخشی از استراتژی کلی سازمان برای استفاده از داده‌ها به عنوان یک دارایی ارزشمند در نظر گرفته می‌شود. این دیدگاه بر ایجاد ارزش از طریق تحلیل داده‌ها، بهبود تصمیم‌گیری و نوآوری تمرکز دارد (Kenechukwu, 2023).

1. E-Government
2. Data Governance

346: 2025) و در نهایت اخلاق‌گرایان نیز بر این امر استوارند که حکمرانی داده به مسائل اخلاقی مرتبط با جمع‌آوری، ذخیره‌سازی و استفاده از داده‌ها می‌پردازد. این شامل احترام به حریم خصوصی افراد، جلوگیری از تبعیض و اطمینان از استفاده عادلانه از داده‌هاست (Moundekar, 2025: 141).

۳. روش پژوهش

در رشته علوم سیاسی، داده‌های مصاحبه محور کمتر مورد بررسی قرار می‌گیرد با این تفاوت که بیشترین تاثیر و یا بن‌مایه‌های فکری از مردم که نقش بازیگر را دارند نتیجه گرفته می‌شود. امروزه در سرتاسر جهان این روش را، یک روش کارا و موثر در جهت سیاست‌گذاری برآورد می‌کنند. این روش که با پرسش از افراد به صورت حضوری یا مجازی صورت می‌گیرد بسته به نوع پژوهش شامل افراد مختلف در سطوح فارغ التحصیلان، دانشجویان و پژوهشگران، به عرصه تبیین می‌آید (نظری، ۱۴۰۱: ۱۷۶).

۳-۱. روش جمع‌آوری داده

ما در این پژوهش با استفاده از روش ساختارمند و به شکل طیف محور در مصاحبه بدین معنا که پرسش‌هایی را با توجه به اهدافمان از قبل تبیین کرده و از جامعه هدفمان پرسیده ایم عمل کرده ایم که پرسش‌ها در قالب پرسشنامه به جامعه هدف پژوهش داده شده و آنها در مقیاس کیفیت ۱ تا ۵ به پرسش‌ها ارزش داده‌اند.

۳-۲. جامعه آماری پژوهش

در این پژوهش جامعه آماری حاضر را کلیه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در حوزه‌های مرتبط با گرایش‌های رشته‌های علوم سیاسی، حقوق، مهندسی برق، مهندسی کامپیوتر، جغرافیای سیاسی و جامعه‌شناسی تشکیل می‌دهند که حجم نمونه آن بر اساس مدل کوکران تعداد ۱۵۰ نفر تعیین گردید.

۳-۳. آمار توصیفی در پژوهش

علم آمار با روش‌های مورد استفاده از جمع‌آوری، ارائه، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها سروکار دارد. هر نوع عمل کردن روی داده‌ها که پیش‌بینی‌ها یا استنباط‌هایی درباره گروه بزرگتری از داده‌ها منجر شود. آمار استنباطی و مجموعه روشها و قوانینی که نتایج را ساده تر کند آمار توصیفی شمرده می‌شود (مدرسه پژوهش کمی و کیفی، ۱۴۰۳).

۳-۴. شیوه نمونه‌گیری

نمونه‌گیری، به کارگیری قسمتی از جامعه آماری به منظور شناسایی خصوصیات آن است. در نمونه‌گیری تصادفی، یا نمونه‌گیری بر مبنای احتمال، هر عضو از جامعه آماری احتمال دارد که در نمونه آماری قرار گیرد و مشخصا این احتمال مثبت است. در مقابل در روش‌های نمونه‌گیری غیرتصادفی، این شرط وجود ندارد و ممکن است عضو یا اعضای از جامعه آماری اصلا قابلیت قرارگیری در نمونه را نداشته باشند.

شرط انتخاب اعضای نمونه آماری ممکن است براساس نظر شخصی یا قضاوت محقق صورت گیرد که در راستای هدف بررسی آماری است. از این رو ما در این پژوهش نیز از نمونه گیری غیر تصادفی استفاده کرده ایم .

۳-۵. شیوه اجرای پژوهش

جهت تجزیه و تحلیل پرسش‌های آمار توصیفی مسائل حکمرانی داده در جامعه کنونی، ابتدا پرسش‌ها از یک دیگر تفکیک گردید و سپس در نرم افزار SPSS عملیات کدگذاری انجام گرفت و پس از آن داده‌های پرسشنامه‌ها در محیط نرم افزار و در قسمت Data view ثبت گردید، پس از آن با استفاده از دستور $fre-$ quencies میانگین هر یک از سوال‌ها و طبقه بندی آن‌ها در یک جدول کلی ثبت گردید که نتایج آن در یافته‌های پژوهش ذکر گردیده است.

۴. یافته‌های پژوهش

جدول ۱. آمار توصیفی شاخص جنسیت جامعه پژوهش (ماخذ: نگارندگان)

جنسیت	میزان فراوانی	درصد فراوانی
مرد	۵۳	۳۵/۳
زن	۹۷	۶۴/۷
جمع	۱۵۰	۱۰۰

جدول ۲. آمار توصیفی شاخص سن جامعه پژوهش (ماخذ: نگارندگان)

سن	میزان فراوانی	درصد فراوانی
۱۹	۲	۱/۳
۲۰	۳	۲
۲۱	۱۲	۸
۲۲	۱۱	۷/۳
۲۳	۱۰	۶/۷
۲۴	۱۰	۶/۷
۲۵	۱۰	۶/۷
۲۶	۱۰	۶/۷
۲۷	۸	۵/۳

۸/۷	۱۳	۲۸
۵/۳	۸	۲۹
۱۰	۱۵	۳۰
۵/۳	۸	۳۱
۵/۳	۸	۳۲
۲	۳	۳۳
۳/۳	۵	۳۴
۲	۳	۳۵
۲/۷	۴	۳۶
۱/۳	۲	۳۷
۰/۷	۱	۳۹
۰/۷	۱	۴۰
۰/۷	۱	۴۱
۰/۷	۱	۴۵
۱۰۰	۱۵۰	جمع

جدول ۳. آمار توصیفی شاخص وضعیت تحصیلات (ماخذ: نگارندگان)

وضعیت تحصیلات	میزان فراوانی	درصد فراوانی
کارشناسی	۳۹	۲۶
کارشناسی ارشد	۵۵	۳۶/۷
دکتری	۵۶	۳۷/۳
جمع	۱۵۰	۱۰۰

جدول ۴. آمار توصیفی شاخص وضعیت رشته‌های تحصیلی (ماخذ: نگارندگان)

وضعیت تحصیلات	میزان فراوانی	درصد فراوانی
جامعه‌شناسی	۱۸	۱۲
جغرافیای سیاسی	۶	۴
حقوق	۱۰	۶/۷

۴۴/۷	۶۷	علوم سیاسی
۱۲	۱۸	مهندسی برق
۱۰	۱۵	مهندسی کامپیوتر
۱۰/۷	۱۶	مهندسی مکانیک
۱۰۰	۱۵۰	جمع

جدول ۵. آمار توصیفی سال ورود به دانشگاه (ماخذ: نگارندگان)

سن	میزان فراوانی	درصد فراوانی
۱۳۸۶	۱	۰/۷
۱۳۸۹	۱	۰/۷
۱۳۹۰	۶	۴
۱۳۹۱	۱	۰/۷
۱۳۹۲	۲	۱/۳
۱۳۹۳	۱	۰/۷
۱۳۹۵	۳	۲
۱۳۹۷	۱	۰/۷
۱۳۹۸	۱۴	۹/۳
۱۳۹۹	۱۸	۱۲
۱۴۰۰	۲۲	۱۴/۷
۱۴۰۱	۵۶	۳۷/۳
۱۴۰۲	۵	۳/۲
۱۴۰۳	۱۹	۱۲/۷
جمع	۱۵۰	۱۰۰

جدول ۶. تحلیل کمی و تعیین میزان مطلوبیت شاخص‌ها (ماخذ: نگارندگان)

میزان فراوانی کیفیت شاخص‌ها بر حسب درصد					۳ گویه‌ها	ابعاد	مفهوم
خیلی زیاد (۵)	زیاد (۴)	متوسط (۳)	کم (۲)	خیلی کم (۱)			
۱۶/۷	۲۳/۳	۹/۳	۱۷/۳	۳۳/۷	ادراک از هوش مصنوعی و کاربرد آن	آگاهی و درک عمومی از هوش مصنوعی و داده‌ها	ادراک از حکمرانی دیجیتال در جامعه ایران
۱۵/۳	۲۵/۳	۱۷/۳	۲۱/۳	۲۰/۷	آگاهی دادن رسانه‌ها از مزایا و معایب هوش مصنوعی		
۱۰	۱۱/۳	۱۶	۳۴	۲۸/۷	کفایت آموزش عمومی در موضوع هوش مصنوعی		
۳۲	۵۴	۷	۶	۷/۳	میزان آگاهی مردم از استفاده داده‌های شخصیشان توسط شرکت و دولت		
۲۷/۳	۵۸	۸	۵/۳	۱/۳	اولویت هوش مصنوعی در سیاستگذاری‌های آموزشی		

۲۲	۲۸/۷	۱۰/۷	۴/۷	۳۴	تاثیر هوش مصنوعی بر بهبود کیفیت زندگی	کاربردها و فرصت‌های هوش مصنوعی	
۳۹/۳	۴۲	۸	۲	۸/۷	تاثیر هوش مصنوعی در کاهش فساد در دولت		
۲۹/۳	۴۵/۳	۸	۱/۳	۱۶	تاثیر هوش مصنوعی در ایجاد فرصت‌های شغلی جدید		
۶۹/۳	۱۶/۷	۵/۳	۶	۲/۷	تاثیر هوش مصنوعی در ارتقاء بخش بهداشت و درمان		
۲۸/۷	۶	۳۵/۳	۱۰/۷	۱۹/۳	تاثیر هوش مصنوعی در ارتقاء بخش آموزش کشور		
۴۰/۷	۱۷/۳	۱۴	۱۰/۷	۱۷/۳	تاثیر هوش مصنوعی در ارتقاء امنیت سایبری		
۶۸/۷	۹/۳	۱۰	۱۰	۲	تاثیر هوش مصنوعی در ارتقاء شفافیت عملکردی دولت		

۱۲/۷	۳۴	۴	۳/۳	۴۶	تاثیر هوش مصنوعی بر نقض حریم خصوصی افراد	چالش‌ها و نگرانی‌های مرتبط با هوش مصنوعی	
۶	۶	۲	۴	۸۲	تاثیر شفافیت در حکمرانی داده		
۶۹/۳	۱۰	۶	۸	۶/۷	تاثیر هوش مصنوعی و از بین رفتن مشاغل سنتی ایران		
۲۳/۳	۲۸/۷	۲۱/۳	۱۱/۳	۱۵/۳	فقدان قوانین جامعه در حکمرانی داده		
۲/۷	۵/۳	۳۴/۷	۲۹/۳	۲۸	تاثیر هوش مصنوعی بر نابرابری‌های اجتماعی		
۱۵/۳	۶۴	۱۴/۷	۳/۳	۲/۷	سنجش پابندی شرکت‌ها در ایران به حفاظت داده		
۸۶/۷	۷/۳	۲/۷	۱/۳	۲	فقدان زیر ساخت‌های فنی در حکمرانی داده		
۲۸/۷	۵/۳	۲۴	۲۱/۳	۲۰/۷	تاثیر وابستگی به خارج از کشور در امر حکمرانی داده		

۵۱/۳	۱۳/۳	۱۰/۷	۱۰/۷	۱۴	تاثیر اصول اخلاقی در حکمرانی داده		
۱۲/۷	۱۶/۷	۲۰	۱۳/۳	۳۷/۳	احترام شرکت‌های خصوصی به حریم خصوصی کاربران		
۵۸	۶/۷	۲۰	۴	۱۱/۳	تاثیر نظارت دولت بر داده‌های شخصی در حکمرانی داده		
۲۲/۷	۶/۷	۶/۷	۱۲/۷	۵۱/۳	تاثیر جامعه مدنی قوی بر حکمرانی داده موفق		
۶۴/۷	۲۰	۶/۷	۴/۷	۴	تاثیر ایجاد قوانین سختگیرانه بر حکمرانی داده موفق		
۱۷/۳	۴/۷	۱۰/۷	۱۱/۳	۵۶	تاثیر ایجاد بخش خصوصی دانش بنیان در تقویت حکمرانی داده		
۳۱/۳	۵۸	۶/۷	۲	۲	تاثیر فرهنگ اجتماعی بر ارتقاء حکمرانی داده		
۸۳/۳	۸	۲	۲	۴/۷	تاثیر همکاری‌های بین‌المللی بر ارتقاء حکمرانی داده		
۱۲	۱۰	۶	۱۰	۶۲	نگاه تهدید محور دانستن حکمرانی داده در ایران		

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

ما با استفاده از روش مصاحبه به شکل‌های حضوری و برخط با جامعه آماری که متشکل از ۱۵۰ نفر از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم سیاسی، حقوق، مهندسی برق، مهندسی کامپیوتر، جغرافیای سیاسی و جامعه‌شناسی سعی در گویه‌آفرینی از پرسش‌های مطرح شده از این جامعه آماری نمودیم. سپس با توجه به دسته‌بندی گویه‌ها در حوزه‌های گوناگون آگاهی و درک عمومی از هوش مصنوعی و داده‌ها، کاربردها و فرصت‌های هوش مصنوعی و چالش‌ها و نگرانی‌های مرتبط با هوش مصنوعی و تحلیل آنها توانستیم نتایج گوناگونی را برآورد کنیم که در ذیل به بخشی از آنها خواهیم پرداخت:

۱-۳۳ درصد از پرسش‌شوندگان ادراک «خیلی کم» از هوش مصنوعی و کاربردهای آن دارند. این نشان‌دهنده این است که بخش بزرگی از جامعه‌ی ایران هنوز با مفهوم و کاربردهای هوش مصنوعی آشنا نیستند. با این حال، حدود ۴۰٪ از پاسخ‌دهندگان (۳/۲۳ + ۷/۱۶٪) ادراک «زیاد» یا «خیلی زیاد» دارند، که نشان‌دهنده‌ی این است که بخشی از جامعه، احتمالاً افراد تحصیل کرده یا فعال در حوزه‌ی فناوری، با هوش مصنوعی آشنا هستند. این شکاف نشان‌دهنده‌ی نیاز به افزایش آگاهی عمومی در این زمینه است.

۲-۴۲ درصد از پرسش‌شوندگان (۷/۲۰ + ۳/۲۱٪) معتقدند که رسانه‌ها «خیلی کم» یا «کم» به موضوع مزایا و معایب هوش مصنوعی پرداخته‌اند. این نشان‌دهنده این است که رسانه‌های ایران توانسته‌اند به‌طور مؤثر در افزایش آگاهی عمومی در این زمینه نقش ایفا کنند. با این حال، حدود ۴۰٪ از پاسخ‌دهندگان (۳/۲۵ + ۳/۱۵٪) معتقدند که رسانه‌ها «زیاد» یا «خیلی زیاد» به این موضوع پرداخته‌اند، که ممکن است نشان‌دهنده‌ی این باشد که برخی رسانه‌های تخصصی یا دیجیتال بهتر عمل کرده‌اند.

۳- اکثریت قاطع پرسش‌شوندگان (۷/۶۲ = ۷/۲۸ + ۳/۳۴٪) معتقدند که آموزش عمومی در موضوع هوش مصنوعی «خیلی کم» یا «کم» است. این نشان‌دهنده ضعف جدی در سیستم آموزشی ایران در زمینه‌ی آموزش مفاهیم مرتبط با هوش مصنوعی است. تنها ۳/۲۱٪ از پاسخ‌دهندگان (۳/۱۱ + ۱۰٪) معتقدند که آموزش عمومی در این زمینه «زیاد» یا «خیلی زیاد» است، که احتمالاً مربوط به مراکز آموزشی خاص یا دوره‌های تخصصی است.

۴- درصد بسیار بالایی از پرسش‌شوندگان (۸۶٪ = ۵۴٪ + ۳۲٪) معتقدند که مردم از استفاده‌ی داده‌های شخصی‌شان توسط شرکت‌ها و دولت «زیاد» یا «خیلی زیاد» آگاه هستند. این نشان‌دهنده این است که جامعه‌ی ایران نسبت به مسائل مربوط به حریم خصوصی و استفاده از داده‌های شخصی حساسیت بالایی دارد. این حساسیت ممکن است ناشی از تجربیات گذشته یا افزایش آگاهی از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی باشد.

۵- اکثریت قاطع پرسش‌شوندگان (۳/۸۵ = ۵۸٪ + ۲۷٪) معتقدند که هوش مصنوعی باید «زیاد» یا «خیلی زیاد» در سیاست‌گذاری‌های آموزشی اولویت داشته باشد. این نشان‌دهنده این است که جامعه‌ی ایران به اهمیت هوش مصنوعی در آینده‌ی آموزش واقف است و انتظار دارد که دولت و نهادهای آموزشی به این موضوع توجه بیشتری نشان دهند.

۳۴-۶ درصد از پرسش‌شوندگان معتقدند که هوش مصنوعی تأثیر خیلی کمی بر بهبود کیفیت زندگی دارد. این ممکن است نشان‌دهنده عدم آگاهی کافی از کاربردهای هوش مصنوعی در زندگی روزمره یا عدم دسترسی به فناوری‌های پیشرفته در جامعه‌ی ایران باشد. با این حال، حدود ۷/۵۰٪ از پاسخ‌دهندگان (جمع درصدهای «زیاد» و «خیلی زیاد») معتقدند که هوش مصنوعی تأثیر مثبتی بر کیفیت زندگی دارد. این نشان‌دهنده‌ی وجود امیدواری نسبی در بخشی از جامعه به نقش فناوری در بهبود زندگی است.

۷- بیش از ۸۰٪ از پرسش‌شوندگان (جمع درصدهای «زیاد» و «خیلی زیاد») معتقدند که هوش مصنوعی می‌تواند در کاهش فساد در دولت مؤثر باشد. این نشان‌دهنده‌ی اعتقاد قوی به نقش فناوری در افزایش شفافیت و کاهش فساد اداری است. این نگرش ممکن است ناشی از انتظارات جامعه از فناوری‌های نوین برای مقابله با چالش‌های ساختاری مانند فساد در سیستم‌های دولتی باشد.

در نهایت با ارزیابی و تحیل روند مصاحبه‌ها، نگارندگان پیشنهاداتی را در راستای ارتباط بهتر میان حکمرانی داده و جامعه ایران تبیین نموده‌اند:

- ۱- دولت و نهادهای مرتبط باید به طور شفاف اهداف، روش‌ها، و مزایای جمع‌آوری داده‌ها را برای جامعه توضیح دهند این امر می‌تواند از طریق ایجاد پورتال‌های عمومی برای نمایش نحوه استفاده از داده‌ها و نتایج حاصل از آن‌ها نمود پیدا کند.
- ۲- برگزاری کارگاه‌ها و کمپین‌های آموزشی برای افزایش آگاهی شهروندان درباره اهمیت داده‌ها و حقوق مرتبط با آن بسیار کارآمد است که نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای انتشار اطلاعات مفید در این حوزه بسیار مهم تلقی می‌شود.
- ۳- نهادهای مسئول باید به طور منظم گزارش‌هایی درباره نحوه استفاده از داده‌ها و دستاوردهای آن منتشر کنند و پاسخگویی به نگرانی‌ها و سوالات شهروندان در مورد مسائل مربوط به داده‌ها را در اولویت قرار دهند.
- ۴- بهبود دسترسی به اینترنت و فناوری‌های دیجیتال در مناطق محروم و کم‌برخوردار از اهمیت فزاینده برخوردار است همچنین ارائه آموزش‌های دیجیتال به گروه‌های مختلف جامعه برای استفاده بهتر از داده‌ها و فناوری‌ها.

حکمرانی داده در ایران در مرحله گذار از رویکرد سنتی مدیریت اطلاعات به سوی نظام‌های داده‌محور قرار دارد. طی سال‌های اخیر، با گسترش زیرساخت‌های دیجیتال، توسعه دولت الکترونیک و رشد ظرفیت‌های فناورانه در حوزه هوش مصنوعی و کلان‌داده، توجه به اهمیت داده در فرآیند تصمیم‌سازی عمومی افزایش یافته است. با این حال، چارچوب نهادی و سیاستی حکمرانی داده در کشور هنوز در حال شکل‌گیری است و از نبود انسجام راهبردی و تداخل وظایف میان نهادهای مختلف رنج می‌برد. این وضعیت موجب شده تا داده به‌عنوان یک منبع راهبردی ملی، هنوز جایگاه واقعی خود را در سیاست‌گذاری و مدیریت عمومی پیدا نکند.

از منظر حقوقی و نهادی، چالش اصلی حکمرانی داده در ایران، فقدان یک چارچوب قانونی جامع و به‌روز برای تنظیم مالکیت، اشتراک‌گذاری و حفاظت از داده‌ها است. در بسیاری از موارد، داده‌ها در انحصار

دستگاه‌های اجرایی قرار دارند و دسترسی پژوهشگران، بخش خصوصی و نهادهای مدنی به داده‌های عمومی محدود است. این رویکرد نه تنها مانع از شکل‌گیری اکوسیستم نوآوری داده‌محور می‌شود، بلکه شفافیت و پاسخگویی نهادهای حکمرانی را نیز تضعیف می‌کند. علاوه بر این، نبود نظام‌های ارزیابی و استانداردهای داده، مانع از ایجاد یک نظام تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد و داده‌های دقیق شده است که نتیجه آن کاهش اعتماد عمومی به فرایندهای تصمیم‌گیری حکومتی است.

از منظر اجتماعی و فرهنگی، مسئله اعتماد عمومی به نحوه جمع‌آوری و استفاده از داده‌ها یکی از مهم‌ترین چالش‌های حکمرانی داده در ایران به شمار می‌رود. بسیاری از شهروندان نسبت به امنیت، حریم خصوصی و استفاده احتمالی نادرست از داده‌های شخصی خود نگرانی دارند. این مسئله باعث شکل‌گیری فاصله‌ای معنادار میان جامعه و نهادهای حکمرانی داده شده است. برای عبور از این وضعیت، نیاز به نظامی شفاف، پاسخ‌گو و الگوریتمی وجود دارد که ضمن تضمین حقوق داده‌ای شهروندان، امکان تصمیم‌سازی دقیق و عادلانه را برای حاکمیت فراهم کند. در نهایت، تقویت آموزش داده‌محور، ارتقای سواد دیجیتال و مشارکت فعال جامعه مدنی می‌تواند زمینه‌ساز استقرار حکمرانی داده مؤثر و پایدار در ایران باشد.

منابع

- پوررمضان، پرهام (۱۴۰۳). شکل‌گیری حکمرانی داده جمهوری اسلامی ایران در عصر هوش مصنوعی؛ از آرمان تا واقعیت، مجموعه مقالات سمینار سواد رسانه‌اطلاعاتی: مرزهای دیجیتال نوین اطلاعات شناخت و تمایز بین مرزهای داده‌های ملی و جهانی، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده مطالعات جهان، صص ۲۵-۵۰
- چمنی، ساسان، آقایی، محسن، غیوری ثالث، مجید، مردانی شهر بابکی، محمد (۱۴۰۳)، ارائه الگوی حکمرانی داده برای شبکه‌های اجتماعی، فصلنامه حکمرانی متعالی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۹۱-۱۱۹
- فتح‌الله زاده، فرحناز، حریری، نجلا، ساجدی نژاد، آرمان، باب الحوائجی، فهیمه، پورتنقی، رویا (۱۴۰۳)، شناسایی مؤلفه‌های حکمرانی داده در بافت سازمانی: فراترکیب متون، فصلنامه علوم و فنون مدیریت اطلاعات، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۱۰۱-۱۳۰
- فینی زاده، محسن، مظفری، افسانه، خجسته باقرزاده، حسن، فرهنگی، علی اکبر (۱۴۰۳)، بررسی وضعیت و راهکارهایی اجرایی حکمرانی داده در سازمان‌ها (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی)، پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، دوره ۴۰، شماره ۲، صص ۴۶۴-۴۳۹
- مرتضوی، محمدرضا، معینی، علی، ساجدی نژاد، آرمان (۱۴۰۳)، چارچوب حکمرانی داده در مراکز تبادل داده، فصلنامه علوم و فنون مدیریت اطلاعات، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۸۹-۱۱۶
- میرشکاری، عباس، پیشنماز، سید امین، رکنی، امیر عباس (۱۴۰۳)، تراست داده، سازوکاری برای مدیریت منافع ذی‌نفعان داده؛ رهنمودهایی برای نظام داده در حقوق ایران، فصلنامه حقوق تطبیقی معاصر، دوره ۱۵، شماره ۳۴، صص ۲۷۹-۳۲۰
- نظری، علی اشرف (۱۴۰۱)، پژوهش مصاحبه‌محور و امکان درک داده‌های سیاسی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۱۸۳-۱۵۹

References

- A. Fatimah et al., (2023), “Iot Based Home Automation,” 2nd International Conference on Multidisciplinary Engineering and Applied Science (ICMEAS), Abuja, Nigeria, 2023, pp. 1-5, <https://doi.org/10.1109/ICMEAS58693.2023.10429897>
- Dev DKV (2024), AI-Enhanced Data Governance for Modernizing the US Court System, International Journal of Engineering and Advanced Technology Studies, 12 (4), 48-55 <https://doi.org/10.37745/ijeats.13/vol12n44855>
- Dupe Ayesha, A, Ahlan, A. R. ., Muhamad. Ibrahim, N. & Ahmed, M. (2025), Impact and Challenges of E-Government Implementation in Nigeria: A Systematic Literature Review. International Journal on Perceptive and Cognitive Computing, 11(2), 42–57. <https://doi.org/10.31436/ijpcc.v11i2.567>
- Enala, S. H. & Vinsenco R. Serano. (2025), Penerapan e-Government di Merauke: Studi Kasus Sistem Pelayanan Publik Berbasis Teknologi Informasi. Papsel Journal of Humanities and Policy, 2(1), 74–81. <https://doi.org/10.63185/pjhp.v2i1.61>
- Kenechukwu O. Agbodike. 2025. “Beyond Compliance: How AI-Powered Data Governance Can Transform Enterprise Decision-Making, Risk Mitigation, and Sustainable Growth”. South Asian Journal of Social Studies and Economics 22 (9):342–349. <https://doi.org/10.9734/sajsse/2025/v22i91161>.
- Leena Moundekar, Vaishnavi Shreekhande, Yamini Kanekar, Bhagyashree Kumbhare, “Data Privacy and Ethical Consideration in Data Science”, Indian Journal of Computer Science and Technology, Volume 04, Issue 01 (January-April 2025), PP: 139-144. <https://www.doi.org/10.59256/indjcsst.20250401022>
- Rosiers, David Perez-Des (2021), AI Application in Surveillance for Public Safety: Adverse Risks for Contemporary Societies. In: Keskin, Tugrul & DavidKiggins,
- Setyawan, A. C. (2024), Enhancing Public Service Delivery through Digital Transformation: A Study on the Role of E-Government in Modern Public Administration. Global International Journal of Innovative Research, 2(10), 2439–2453. <https://doi.org/10.59613/global.v2i10.340>
- Shaxnoza, J. (2024), Impact of E-Governance on Public Service Efficiency. International Journal of Law and Policy, 2(10), 31–47. <https://doi.org/10.59022/ijlp.229>
- Sokolov I.A. Theory and practice in artificial intelligence // Вестник Российской академии наук. - 2019. - Vol. 89. - N. 4. - P. 365-370. <https://doi.org/10.31857/S0869-5873894365-370>
- Yadav, B. (2024), Citizen Participation in Government Decision-Making. RESEARCH REVIEW International Journal of Multidisciplinary, 9(4), 267–271. <https://doi.org/10.31305/rrijm.2024.v09.n04.033>
- Zekos, Georgios I. (2022), Political, Economic and Legal Effects of Artificial Intelligence: Governance, Digital Economy and Society. Switzerland: Springer.
- Zhang Xinyu, “The Impact of Internal and External Coordination on Organizational Performance”, Journal of Enterprise and Business Intelligence, vol.3, no.1, pp. 023-032, January 2023. <https://doi.org/10.53759/5181/JEBI202303003>.
- Pourramezan, P. (2024), The Formation of Data Governance in the Islamic Republic of Iran in the Age of Artificial Intelligence: From Ideal to Reality. In Proceedings of the Seminar on Media and Information Literacy: New Digital Frontiers of Information, Recognition and Distinction between National and Global Data Borders (pp. 25-50). Tehran: Faculty of World Studies, University of Tehran [In Persian]

- Chamani, S., Aghaei, M., Ghiyoori Thales, M., & Mardani Shahr Babaki, M. (2024). Presenting a Data Governance Model for Social Networks. *Supreme Governance Quarterly*, 5(2), 91-119. [In Persian]
- Fathollahzadeh, F., Hariri, N., Sajedinejad, A., Babolhavaeji, F., & Portaghi, R. (2024), Identifying the Components of Data Governance in the Organizational Context: A Meta-Synthesis of Literature. *Quarterly of Information Management Science & Technology*, 10(3), 101-130. [In Persian]
- Finizadeh, M., Mozaffari, A., Khojasteh Bagherzadeh, H., & Farhangi, A. A. (2024), Investigating the Status and Practical Solutions for Data Governance in Organizations (A Case Study: Islamic Azad University). *Information Processing and Management Journal*, 40(2), 439-464 [In Persian]
- Mortezaei, M. R., Moeini, A., & Sajedinejad, A. (2024). A Data Governance Framework for Data Exchange Centers. *Quarterly of Information Management Science & Technology*, 10(1), 89-116. [In Persian]
- Mirshakkari, A., Pishnamaz, S. A., & Rokni, A. A. (2024), Data Trust, a Mechanism for Managing Data Stakeholders' Interests; Guidelines for the Data System in Iranian Law. *Contemporary Comparative Law Quarterly*, 15(34), 279-320. [In Persian]
- Nazari, A. A. (2022), Interview-Based Research and the Possibility of Understanding Political Data. *Political and International Approaches*, 14(2), 159-183. [In Persian]
- <https://analysisacademy.com/2959/%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%B1-%D8%AA%D9%88%D8%B5%DB%8C%D9%81%DB%8C-%DB%8C%D8%A7-%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D9%87-%D8%AF%D8%A7%D8%AF%D9%87-%D9%87%D8%A7.html> آمار توصیفی در پژوهش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی